

کهنگیلویه



مدرسه (یا کاروانسرا) خیر آباد مربوط به دوره ساسانی - تازسازی شده در دوره صفویه

یکی از اقبامات شایسته و بایسته در تدوین تاریخ علمی و جامع یک سرزمین، شناسایی و تبیین ابعاد زندگی اجتماعی مناطق تشکیل دهنده آن می‌باشد. این امر مستلزم وسعت بخشیدن به دامنه پژوهش‌ها و تحقیقات منطقه‌ای است تا به فراخور آن مصالح لازم جهت این مهم فراهم آید.

از آنجایی که سرزمین ایران از مناطق گوناگونی تشکیل یافته که هر کدام علاوه بر تاریخچه مستقل، نقش خاصی نیز در رویدادها و حوادث ملی داشته‌اند لذا جهت شناخت جامع تحولات این سرزمین بزرگ چاره‌ای به جز شناخت مناطق تشکیل دهنده آن متصور نیست.

به‌رغم بی‌اعتنایی تاریخ‌نگاری سنتی به این، مهم در سال‌های اخیر رویکردی مناسب به سوی این مطالعات آغاز گشته که حاصل آن ارائه آثار ارزشمندی در خصوص تاریخ و جغرافیای مناطق مختلف بوده است. بدون شک، شناسایی، معرفی و بررسی این آثار می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای بارورتر شدن این نوع پژوهش‌ها فراهم آورد. منطقه تاریخی کهنگیلویه نیز یکی از مناطق یاد شده می‌باشد که در سال‌های اخیر توانسته است توجه پژوهشگران منطقه‌ای را به خود جلب نماید.

این منطقه که امروزه در تقسیمات کشوری به نام استان کهنگیلویه و بویر احمد شناخته می‌شود و در بین استان‌های فارس، بوشهر، خوزستان، اصفهان و چهارمحال بختیاری قرار دارد در طول تاریخ به نام‌های مختلفی از جمله سرزمین انشان، زم‌رمیگان، زم‌گیلویه، جبل‌گیلویه، و نهایتاً کهنگیلویه^۱ شناسایی شده است.

هر چند کهنگیلویه به‌دلیل خصوصیات جغرافیایی، منطقه‌ای عشایرنشین به حساب می‌آید با این حال تاریخ این منطقه نشان می‌دهد که در کنار ساختار غالب ایلداری، شهرهای نسبتاً بزرگه مرفه و آبادی نیز در آن وجود داشته که بیشتر در ارتباط با تجارت و رفع نیازمندی‌های نظام و جامعه ایلداری فعالیت داشته‌اند.^۲

ساختار ایلداری منطقه و عدم اطاعت آنان از حکومت‌های مرکزی ابهاماتی را در خصوص تعیین مرزها و شناسایی ایل‌ها و طوایف آن بوجود آورده است. براساس اطلاعات موجود کهنگیلویه به لحاظ اداری - سیاسی در دوره‌هایی ضمیمه فارس و در دوره‌هایی نیز مجزا بوده که در دوره‌های اخیر توانسته حدود خود را به سمت استان‌ها و نواحی همجوار نیز توسعه دهد.^۳

اطلاعات و دانسته‌های ما دربارهٔ تحولات جمعیتی و رفت‌وآمد اقوام به‌دلیل عدم انجام پژوهش‌های جامع و تخصصی، بسیار اندک و ضعیف می‌باشد. آنچه بر ما مسلم می‌باشد این است که منطقه کهنگیلویه در طول تاریخ بارها مورد هجوم و یا مهاجرت آرام اقوام متعدد واقع گردیده که این اقوام بعد از مدتی یا از منطقه بیرون رانده شده و یا توانسته‌اند برای مدت زمان زیادی رحل اقامت افکنند که بعضی از آنها تا امروز به حیات خود در این منطقه ادامه می‌دهند. شبانکاره‌ها، شول‌ها، لره‌ها، اتراک و اعراب از جمله اقوامی‌اند که

کتاب «تاریخ و جغرافیای کوهگیلویه و بویراحمد، نوشته نور محمد مجیدی، اولین پژوهش برجسته و جامع از سوی یک پژوهشگر بومی به حساب می آید که اصول و روش های تحقیق در آن به خوبی رعایت شده و بکارگیری نسخه خطی ریاض الفردوس حسینی (مربوط به دوره صفویه) که حاوی اطلاعات تازه و منحصر به فردی در خصوص منطقه کوهگیلویه می باشد، به این اثر ارزش خاصی بخشیده است

در طول سالیان به این منطقه مهاجرت نموده و هر کدام چند صباحی سیادت منطقه را به دست گرفته اند.^۲ به رغم تمامی اتهامات موجود، در اهمیت و نقش فعال کوهگیلویه در تاریخ ایران نمی توان شک نمود. شواهد و قرائن متعددی موجود است که این نقش و اهمیت را به وضوح نشان می دهد. در اینجا بی مناسبت نخواهد بود تا گوشه ای از این اهمیت تاریخی بیان گردد:

۱- قرار گرفتن در بین مراکز امپراتوری ها و حکومت های جنوب ایران^۳، مرتبط ساختن استان های معتبری همچون خوزستان، فارس، اصفهان و بوشهر و همچنین اتصال خلیج فارس به مرکز ایران از جمله عواملی هستند که منطقه کوهگیلویه را در موقعیت حساسی قرار داده اند. این موقعیت حساس از دو جهت تجاری و نظامی قابل تامل و بررسی است که مختصراً بدان خواهیم پرداخت:

الف. اهمیت تجاری

کوهگیلویه به دلیل موقعیت یاد شده در طول سالیان در شبکه راه های تجاری نقش خاصی در تبادل کالا و خدمات به عهده داشته است. راه های کاروانی و دریایی جنوب ایران از آن عبور می کرده و عشایر منطقه در امنیت بخشیدن و یا نا امنی راه ها - در دوره های عدم ثبات سیاسی - مؤثر بوده اند. این نقش در دوره های ساسانی، آل بویه و صفویه بسیار برجسته بوده است.

ب) اهمیت نظامی:

موقعیت کوهگیلویه به لحاظ نظامی نیز در خور توجه می باشد. دانستن این نکته که اکثر کشورگشایان بزرگ، ماجراجویان و گروه های سیاسی - اجتماعی گریز از مرکز، کوهگیلویه را مرکز عملیات خویش نموده و یا از طریق آن به اهداف مورد نظر خویش رسیده اند کافیست تا اهمیت نظامی این منطقه را نشان دهد. عبور کشورگشایانی همچون اسکندر مقدونی، اعراب مسلمان، یعقوب لیث صفاری، پسران بویه، تیمور لنگه نادر شاه افشار و فعالیت گروه هایی همچون خوارزمشاهیان، قرامطه و اسماعیلیه از جمله شواهدی به شمار می روند که بر اهمیت نظامی کوهگیلویه مهر تأیید می زنند.

۲- شواهد باستانی متعدد در جای جای خاک این منطقه مربوط به دوره های متفاوت تاریخ ایران شامل آثار و بقایای شهرها، روستاها، کاروانسراها، پل ها، آب انبارها، قلعه ها، قنوت، زیارتگاه ها و... همچنین وجود داستان ها و باورهای بی شمار تاریخی و افسانه ای در سینه مردم ساده و باصفای این دیار همه و همه از سرزمینی تاریخی حکایت دارند که در صورت توجه می تواند بسیاری از مسائل مبهم تاریخ ایران را روشن سازد.^۴

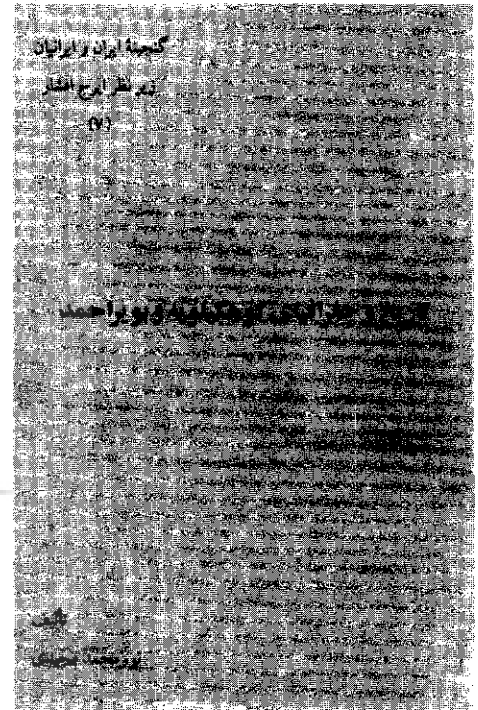
به رغم این پیشینه درخشان تاریخی، مطالعات و پژوهش های منطقه ای هر چند در سال های اخیر روند رو به رشد و امیدوارکننده ای داشته با این حال هنوز به حد مطلوبی - به لحاظ کمی و کیفی - نرسیده و آنطور که باید و شاید نتوانسته حق مطلب را ادا نماید و این منطقه تاریخی را در جایگاه واقعی اش بنشانند. اما این نکته نباید دلیلی بر آن شود تا کارهای انجام گرفته به بونه فراموشی و یا بی اعتنایی سپرده شود. تحقیقات و پژوهش های انجام گرفته در خصوص تاریخ کوهگیلویه با وجود پرخورداری از ضعف ها و کاستی ها در خور تقدیراند و جای دارد جهت تکمیل و توسعه آنها به معرفی و نقد و بررسی آنها مبادرت شود. نگارنده این سطور با توجه به رسالت یاد شده سعی دارد با معرفی و بررسی اجمالی این آثار زمینه را برای نقد علمی آنها و پیشرفت تحقیقات و پژوهش های تاریخی منطقه کوهگیلویه فراهم آورد. براین اساس ابتدا به معرفی آثار و پژوهش های منطقه براساس سال انتشار و سپس به بررسی اجمالی آنها خواهیم پرداخت.

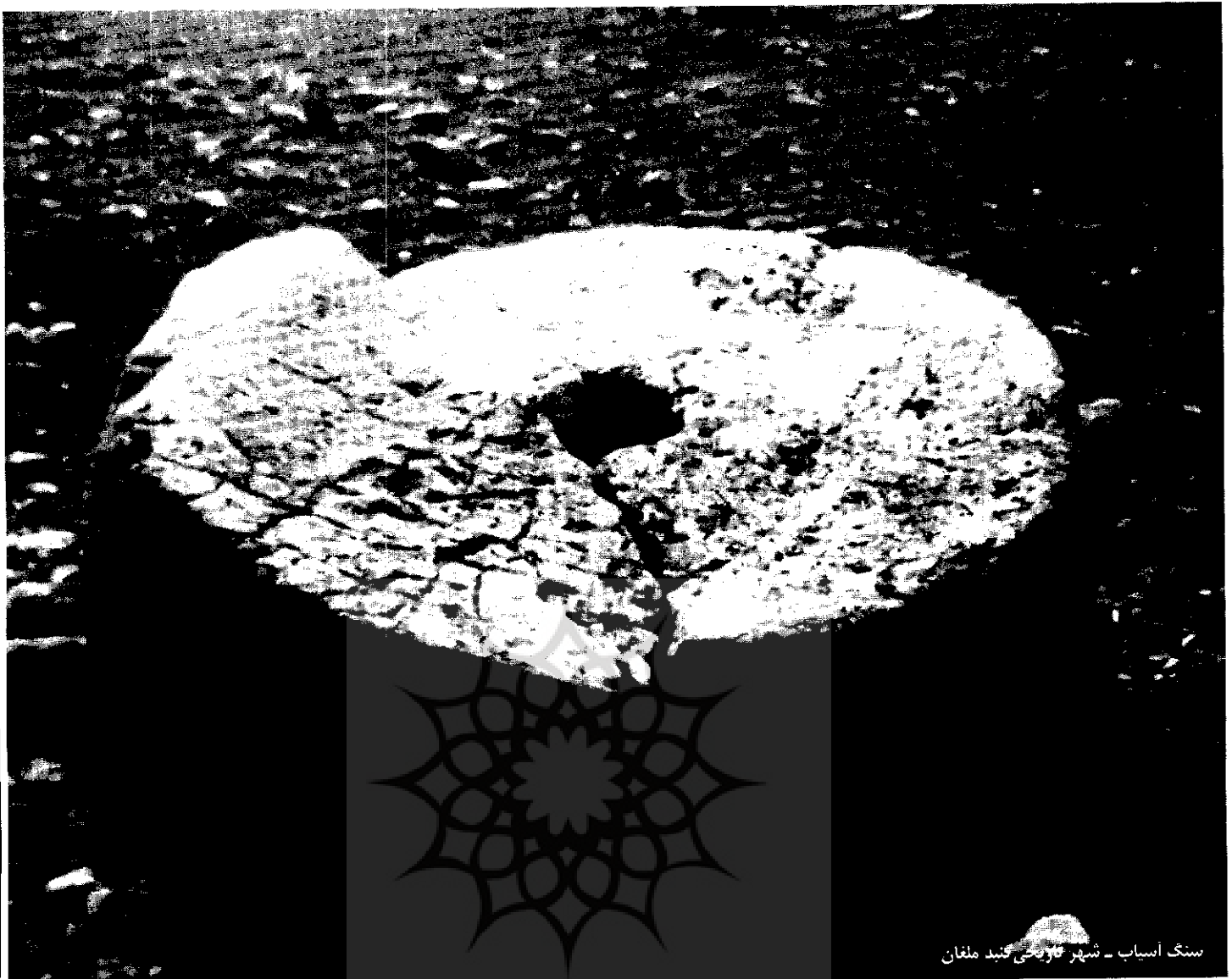
معرفی آثار

۱. کوهگیلویه و ایلات آن (محمد باور، ۱۳۲۴)^۱

این کتاب اولین پژوهش مستقل در خصوص سرزمین و مردم کوهگیلویه و بویر احمد بوده است و از این رو توانسته جایگاه ویژه ای در پژوهش های منطقه ای بدست آورد. محور کتاب بر شناخت ایلات، آن هم در دوره معاصر استوار گردیده که در حاشیه آن نیمنگاهی نیز به دوران های تاریخی و جغرافیای تاریخی منطقه افکنده شده است. شیوه یاد شده همان است که بعد از این پژوهشگران بومی منطقه آنرا در خلق آثار خویش به کار بسته اند.

کتاب در پرداختن به ایلات منطقه موضوعاتی از قبیل: داستان های حماسی، شیوه های معیشتی، آوازهای محلی، رسومی همچون ازدواج و... را نیز مورد توجه قرار داده که با مطالعه آنها شناختی اجمالی از زندگی اجتماعی مردم کوهگیلویه بدست می آید. محتویات کتاب حاصل تحقیقات میدانی نویسنده و رجوع اندک وی به منابع متقدم و متأخری است که در ارائه آن نظم خاصی مشهود نمی باشد. به هر حال انتشار این کتاب در دوره پهلوی که به دلیل بی توجهی حکام، فقر و محرومیت منطقه را فرا گرفته بود عاملی گشت جهت هویت بخشی به کوهگیلویه و آغازی شد بر شروع مطالعات و پژوهش های تاریخی منطقه.

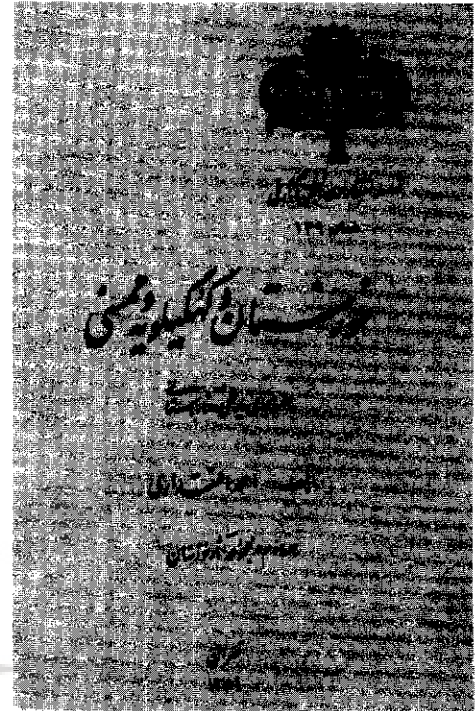




سنگ آسیاب - شهر تاریخی کتبد ملغان

- ۲. خوزستان، کهگیلویه و ممسنی (احمد اقتداری، ۱۳۵۹)**
 بعد از یک دوره فترت سی و پنج ساله این کتاب به عنوان دومین پژوهش منطقه‌ای به همت محقق خستگی‌ناپذیر و پرتلاش خطه جنوب، استاد **احمد اقتداری** به زیور طبع آراسته گردید.
 کتاب در حقیقت دنباله تحقیقات نویسنده در منطقه خوزستان و به نوعی جلد دوم کتاب **دیوار شهریاران** به حساب می‌آید. استاد اقتداری در این اثر کهگیلویه را امتداد کوهستانی خوزستان دانسته و افزون بر آن قرابت تاریخی - اجتماعی خاصی نیز بین این دو منطقه قائل شده است.
 این کتاب پژوهشی بنیادی در خصوص شناسایی و توصیف آثار و اماکن باستانی منطقه و آنگونه که استاد اقتداری بیان داشته کلید تحقیق برای همه محققان و پژوهشگران جنوب ایران می‌باشد.^{۱۲}
 کتاب هر چند به مناطق دیگری نیز پرداخته است با این وجود بیشترین صفحات آن به کهگیلویه و ممسنی اختصاص دارد. از آنجایی که در جایی دیگر به معرفی و بررسی مفصل این اثر پرداخته شده از اطاله کلام خودداری می‌شود. تنها به این نکته بسنده می‌گردد که ارزش والای این اثر را می‌بایست در بخش شناسایی و توصیف آثار باستانی جست‌وجو نمود. کتاب در فصل پنجم مناطقی همچون بهمش، طیبی، چرام، باشت و بابونی، دشمن زیاری، تل خسروی، بویراحمد و در نهایت شولستان را مورد شناسایی قرار داده و اماکن و آثار باستانی مناطقی یاد شده را توصیف نموده است.
- ۳. ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان دوره صفوی (هانیس گاووه، ۱۳۵۹)**
 هانیس گاووه، استاد شرق‌شناسی دانشگاه توپینگن آلمان با انتخاب شیوه‌ای علمی و منظم توانسته اثری نفیس و ماندگار در خصوص توپوگرافی تاریخی (historic topography)^{۱۳} منطقه ارجان (بهبهان کنونی) و کهگیلویه به یاد بگذارد. اثر یاد شده به خاطر به‌کارگیری وسیع منابع موجود (مکتوب و غیرمکتوب) و همچنین رعایت نظم خاص تحقیقاتی می‌تواند به عنوان الگویی مناسب جهت انجام پژوهش‌های منطقه‌ای بکار گرفته شود.^{۱۴}
- ۴. بویراحمد در گذرگاه تاریخ (قدرت‌الله اکبری، ۱۳۷۰)**
 مؤلف در این کتاب به شرح پراکنده‌ای از حوادث و رویدادهای منطقه بویراحمد - بیشتر در دوره معاصر - می‌پردازد. پرداختی

کتاب «کهگیلویه و ایلات آن (محمود باور، ۱۳۲۴) اولین پژوهش مستقل در خصوص سرزمین و مردم کهگیلویه و بویراحمد بوده است... محور کتاب بر شناخت ایلات، آن هم در دوره معاصر استوار گردیده که در حاشیه آن نیم‌نگاهی نیز به دوران‌های تاریخی و جغرافیای تاریخی منطقه افکنده شده است



کتاب «خوزستان، کهگیلویه و ممسنی» اثر استاد احمد اقتداری، پژوهشی بنیادی در خصوص شناسایی و توصیف آثار و اماکن باستانی منطقه و طبق گفته مؤلف آن، کلید تحقیق برای همه محققان و پژوهشگران ایران می باشد

هانیس گاو به، استاد شرق شناسی دانشگاه توپینگن آلمان با انتخاب شیوه‌ای علمی و منظم توانسته اثری نفیس و ماندگار در خصوص توپوگرافی تاریخی (historic Topography) منطقه ارجان (بهبهان کنونی) و کهگیلویه به یادگار بگذارد که «ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان دوره صفوی» نام دارد

مختصر در ارتباط با تاریخچه منطقه بویراحمد و سپس درگیری‌های ایللی کل حجم کتاب را شامل می‌شود. آنچه در ارتباط با روش و اسلوب تحقیقاتی در این اثر بایستی ذکر نمود، خود نویسنده با صداقتی ستودنی چنین شرح داده است: «البته قابل توجه است روش برخورد من در بازگو نمودن حوادث در این مجمل به عنوان یک مورخ نیست و اصولاً ادعای تاریخ‌نویسی ندارم. آنچه در این مقال گنجانیده شده مخلوط ناموزونی است که به صورت عامیانه و معمولی از خرمن اطلاعات مطلعین و معمرین این قوم برچیده [م].»^{۱۱} لازم به ذکر است که وی علاوه بر منابع شفاهی، بعضی منابع کتبی را نیز مورد استفاده قرار داده که بعضاً اعتبار چندانی نداشته و باعث تنزل ارزش اثر نیز گردیده‌اند.

حوادثی همچون جنگ

آجوادلی، جنگ با شیخ خزعل، جنگ‌های دوزگ مدین، نبرد تنگ تا مرادی، جنگ حنا، جنگ سمیرم، اقدامات ارتش در جهت کنترل عشایر بویر احمد، مدعیان ظهور و امام زمان و داستان غائله اوقافه مهمترین موضوعات کتاب را تشکیل می‌دهند.

۵. تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد (نورمحمد مجیدی، ۱۳۷۱)^{۱۲}

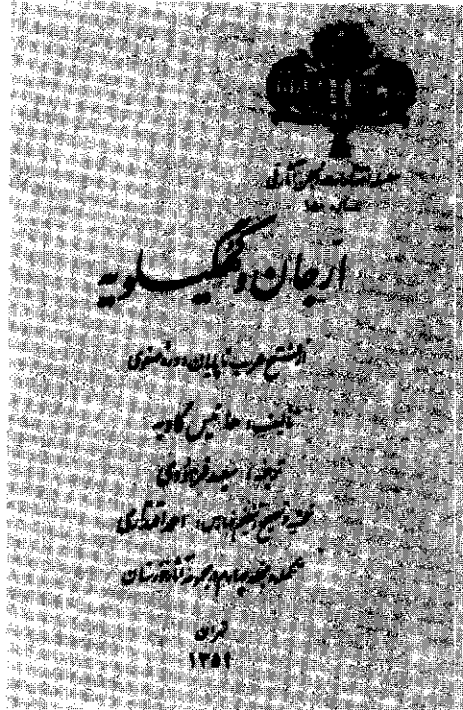
این کتاب اولین پژوهش برجسته و جامع از سوی یک پژوهشگر بومی به حساب می‌آید که اصول و روش‌های تحقیق در آن به خوبی رعایت شده است. اثر یاد شده مجموعه‌ای از حوادث تاریخی و خصوصیات جغرافیایی را شامل می‌باشد که موضوعات متعدد و متنوعی در آن مورد بحث قرار گرفته است.

کتاب در یازده فصل با عناوینی همچون جغرافیای طبیعی، جغرافیای تاریخی، تقسیمات ناحیه‌ای، شهرها، راه‌ها، قلاع، امامزاده‌ها، فرهنگ و ادب، مذهب و فرهنگ عامیانه تنظیم و ارائه شده که این تنوع و تعدد موضوعات و محدود نبودن زمان پژوهش در کیفیت مطالب تأثیر بسزایی گذاشته است. روش کار نویسنده میدانی - کتابخانه‌ای بوده که براساس آن سعی شده ضمن استفاده از منابع مکتوب از آثار و شواهد مادی و اقوال شفاهی نیز نهایت استفاده برده شود. در ارتباط با منابع مکتوب، به کارگیری نسخه خطی ریاض‌الفرحانوس حسینی (مربوط به دوره صفویه) که حاوی اطلاعات تازه و منحصر به فردی در خصوص منطقه کهگیلویه می‌باشد به این اثر ارزش خاصی بخشیده است.^{۱۳} در نهایت می‌توان چنین اظهار داشت که نویسنده به دلیل بومی بودن و آشنایی با منطقه و انجام سفرهای متعدد جهت مشاهده و شناسایی آثار باستانی موجود و همچنین استفاده از منابع متعدد توانسته است مجموعه نسبتاً مفصلی از رویدادهای تاریخی و خصوصیات جغرافیایی منطقه فراهم آورد...

۶. گوشه‌های ناگفته‌ای از تاریخ معاصر ایران (سید ساعد حسینی، ۱۳۷۳)^{۱۴}

کتاب دو برهه حساس تاریخ معاصر ایران، یعنی سال‌های ۲- ۱۳۳۱ (حوادث نهضت ملی نفت ایران) و سال‌های ۲- ۱۳۴۱ (حوادث مربوط به اصلاحات ارضی و قیام پانزده خرداد) و تأثیرات منطقه‌ای این دو برهه و واکنش عشایر و ایلات منطقه در ارتباط با وقایع یاد شده را مورد توجه قرار داده است. در کنار این دو حادثه، یک مسأله منطقه‌ای نیز تحت عنوان مدعیان مذهبیت مورد بررسی قرار گرفته است.^{۱۵}

نویسنده با محدود نمودن زمان و موضوع مورد پژوهش و برقراری ارتباط بین حوادث ملی و منطقه‌ای توانسته گوشه‌ای از روابط سیاسی حکومت مرکزی با سرکرده‌های طوایف و ایلات و همچنین روابط درون ایللی را ترسیم و توصیف نماید. کتاب فاقد پانویس بوده و مؤلف اکثر اطلاعات خویش را بدون ذکر منبع آورده است. تنها در بخش پایانی کتاب سه اثر به عنوان منابع مورد استفاده معرفی شده است. این سه منبع عبارتند از:



۱. تاریخچه عملیات جنوب (آریانا)^{۲۲}
 ۲. سالهای بحران (خاطرات محمد ناصر قشقایی)
 ۳. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، حسین فردوست^{۲۳}
 ظاهراً نویسنده بسیاری از مطالب را از منابع شفاهی اخذ نموده که متأسفانه این منابع نیز معرفی نشده‌اند.
 به هر حال این کتاب اگر چه می‌توانست با انتخاب شیوه‌ای مناسب به لحاظ رعایت اصول تحقیق - به اثری به مراتب با ارزش‌تر تبدیل شود، با این حال اکنون نیز به دلیل نگاه انتقادی و تجزیه و تحلیل مسائل، اثری قابل توجه معرفی می‌شود.

۷. تاریخ سیاسی کهگیلویه (سید مصطفی تقوی مقدم، ۱۳۷۷)^{۲۴}

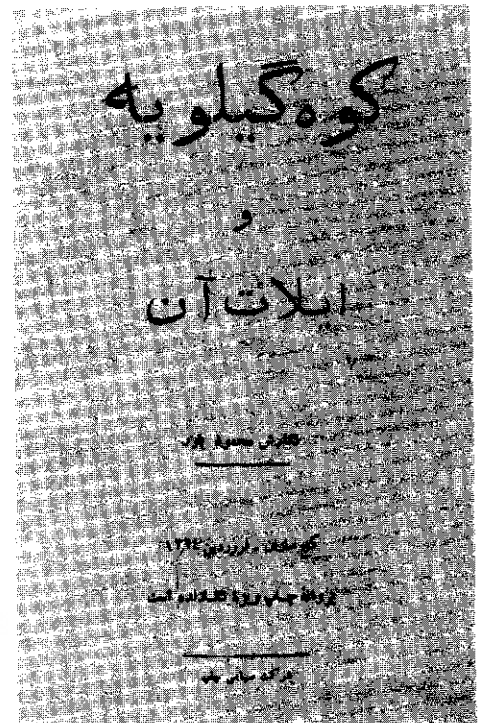
نویسنده در این اثر به مانند سید ساعد حسینی (گوشه‌های ناگفته‌ای از تاریخ معاصر ایران) نگاهی علی به حوادث ملی و منطقه‌ای افکنده و براساس آن سعی نموده تاریخ سیاسی منطقه را که همانا روابط ایلات و عشایر منطقه با سایر مراکز قدرت - دولت و ایلات همجوار - می‌باشد را تدوین نماید. هدف اصلی نویسنده در این کتاب افزون بر شناسایی منطقه کهگیلویه و تدوین گوشه‌ای از تاریخ سیاسی کشور، نشان دادن نقش مثبت عشایر منطقه و جانبازی‌ها و فداکاری‌های آنان در دفاع از مرزها و کیان سرزمین ایران می‌باشد. این کتاب با محدود نمودن موضوع مورد پژوهش، از پراکنده‌گویی خلاصی یافته و تنها تاریخ سیاسی را پردازش نموده است. این محدودیت اگر به لحاظ زمانی نیز رعایت می‌گشت نویسنده را در رسیدن به اهداف خویش بیشتر یاری می‌بخشید که متأسفانه چنین نشده و مطالب کتاب با موضوعیت سیاسی در دو برهه زمانی گسترده و مجزا ارائه شده است. برهه اول از دوره ایلامیها تا دوره ساسانی و برهه دوم از ورود اسلام تا دوره پهلوی را شامل می‌باشد.
 با نگاهی اجمالی به فهرست مطالب کتاب، همچنین با بررسی منابع مورد استفاده مؤلفه و علاقه و توجه نویسنده به دوره معاصر (قاجاریه و پهلوی) آشکار می‌گردد که بر همین اساس بیشترین صفحات کتاب به این دو دوره اختصاص یافته است.
 استفاده بهینه و مناسب نویسنده از اسناد، روزنامه‌های عهد قاجار و پهلوی و همچنین مصاحبه با معمرین قوم که خود شاهد بعضی از وقایع بوده‌اند ویژگی خاصی به این اثر بخشیده است.

۸. تاریخ اجتماعی کهگیلویه (یعقوب غفاری، ۱۳۷۸)^{۲۵}

این کتاب با وجود برخورداری از عنوان «تاریخ اجتماعی» بیشتر در زمینه تاریخ سیاسی قلم خورده است. مؤلف در پیشگفتار کتاب در ارتباط با محتویات اثر خویش می‌نویسد: «در این کتاب فراز و نشیب زندگی ایلات و طوایف و حتی افرادی ثبت گردیده که همگی حاکی از غمها و شادی‌ها و آشفتگی‌های مردم سرزمین کهگیلویه و بویراحمد، اقوام، ایلات، طوایف و اشخاصی است که به نحوی به آنها ارتباط داشته‌اند. به ویژه بخش اعظم آن مربوط به روابط حکومت‌های گذشته با مردم این سامان است.»^{۲۶} علاوه بر این، مروری بر فهرست مطالب کتاب نیز توجه و علاقه نویسنده به تاریخ سیاسی - معاصر - را آشکارتر می‌سازد. در میان فصول هفتگانه، تنها در فصل اول خلاصه‌ای از اوضاع اجتماعی ایلات و در فصل هفتم مطالبی در خصوص پاره‌ای نهادهای اجتماعی مثل آموزش و پرورش، مذهب و... آورده شده و در پنج فصل دیگر موضوعات سیاسی و جغرافیایی گنجانده شده است. در فصل دوم جغرافیای تاریخی و رویدادهای عهد باستان؛ در فصل سوم رویدادهای سیاسی بعد از سقوط سلسله ساسانی تا اواخر دوره تیموری؛ در فصل چهارم رویدادهای تاریخی عهد صفویه تا پایان زندیه؛ در فصل پنجم حوادث تاریخی عهد قاجاریه؛ و در فصل ششم حوادث و وقایع تاریخی سلسله پهلوی از آغاز تا اواخر سال ۱۳۵۶ بحث و بررسی شده است.
 مؤلف با دیدی انتقادی منابع مورد استفاده خویش را دسته‌بندی نموده که جای تقدیر فراوان دارد. منابع مورد استفاده وی به قرار

بررسی منابع و مآخذ معرفی شده در این مقاله ما را متوجه این نکته می‌سازد که در دوره معاصر از منابع متنوع و متعددی سود برده شده است حال آنکه هر چه به لحاظ زمانی از دوره معاصر دورتر شویم فقر شدیدی در ارتباط با منابع مورد استفاده پژوهشگران مشاهده می‌شود

محققین کهگیلویه را به دو بخش پشتکوه و زیرکوه تقسیم نموده‌اند. شهرها، شهرک‌ها و روستاهای آباد منطقه بیشتر در نواحی زیرکوه متمرکز گردیده‌اند.
 با این حال در منطقه پشت کوه نیز مراکز شهری وجود داشته که در بعضی دوره‌ها مرکزیت کهگیلویه را نیز به دست گرفته‌اند



زیر است:

۱. روزنامه‌ها، کتب و مجلات.

۲. نامه‌های شخصی و قراردادهای بین اشخاص و طوایف بخشنامه‌ها، تلگراف‌ها و مکاتبات مربوط به اشخاص و ادارات دولتی، شکایات، گزارش‌ها، تشویق‌نامه‌ها و تقدیرنامه‌ها و احکامی که مأموران نظامی و غیر نظامی به سران ایلات و طوایف می‌دادند.

۳. مشاهدات و خاطرات شخصی نگارنده.

به هر حال این کتاب نیز در کنار سایر آثار توانسته تکمیل‌کننده اخبار و اطلاعات وقایع و حوادث سیاسی - اجتماعی منطقه کهگیلویه باشد.

۹. دیگر منابع:

به جز آثار یاد شده که اختصاصاً به تاریخ و جغرافیای تاریخی پرداخته‌اند پژوهش‌های دیگری نیز موجود است که هر چند به این منطقه اختصاص نداشته و یا موضوع آنها صرفاً تاریخ و جغرافیای تاریخی نمی‌باشد، با این حال دسته و گریخته اطلاعاتی را در خصوص مردمان این منطقه و زندگی اجتماعی و تاریخی سیاسی آنان ارائه داده‌اند. این آثار نیز می‌توانند در کنار منابع اختصاصی کهگیلویه در پژوهش‌های جدید مورد توجه قرار گیرند.

عشایر مرکزی ایران (صفی‌نژاد)،^{۲۶} شناسنامه ایلات کهگیلویه (یعقوب غفاری)^{۲۸}، مرفولوژی کرانه گننام (نصر احمدی)^{۲۹} رساله لرستان و لرها (مینورسکی)^{۳۰} قوم لر (سکندر امان الهی بهاروند)^{۳۱} شناسنامه بهبهان (جوکار قنوتی)^{۳۲}، ارجان و بهبهان در میان تاریخ (مصدر)^{۳۳} از جمله این آثار به‌شمار می‌روند. به‌علاوه در چند سال اخیر گرایش خجسته‌ای نیز در بین دانشجویان مقاطع مختلف به سمت مطالعات و پژوهش‌های منطقه‌ای ایجاد شده که رفته‌رفته می‌تواند به عنوان منابع جدید در خصوص شناخت مناطق، بکار گرفته شوند. نگارنده این سطور پایان‌نامه تحصیلی خویش را در ارتباط با اهمیت تجاری ارجان و کهگیلویه به پایان برده و چند پایان‌نامه دیگر را نیز سراغ دارد که در ارتباط با تاریخ منطقه کهگیلویه در حال انجام می‌باشد و در صورت توجه می‌توانند گوشه‌هایی از سرگذشت تاریخی این منطقه را آشکار سازند.

بررسی اجمالی

از آن جایی که نقد و بررسی تمامی این آثار در حوصله این مقال نمی‌گنجد لذا با هدف نشان دادن کاستی‌های پژوهشی منطقه کهگیلویه تنها به نقد و بررسی اجمالی آنها بسنده خواهیم نمود. امید می‌رود پژوهشگران بعدی با اقدامی شایسته، کاستی‌های موجود را برطرف و پژوهش‌های علمی و جامعی در خصوص منطقه کهگیلویه عرضه نمایند. در خصوص بررسی آثار یاد شده یادآوری نکات زیر ضروری می‌نماید:

۱. در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان آثار موجود را به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول آثاری‌اند که سبک و سیاق علمی نداشتند و صرفاً بازگویی ساده‌ای از دیدگاه و شنیده‌ها و یا برداشت نامنظم و پراکنده مؤلف از چند منبع می‌باشند و عموماً بدون رعایت اصول و روش‌های تحقیق تنظیم و منتشر گردیده‌اند. کهگیلویه و ایلات آن (محمود باور)، بویر احمد در گذرگاه تاریخ (قدرت‌الله اکبری) و گوشه‌هایی ناگفته‌ای از تاریخ معاصر ایران (سید ساعد حسینی) در این دسته می‌گنجد.

دسته دوم آثار منظم و هدفمندی‌اند که اصول و روش‌های تحقیق در آنها تا حدود زیادی رعایت شده است. در این میان کتاب ارجان و کهگیلویه (هانیس گلوبه) می‌تواند به عنوان الگویی مناسب معرفی گردد. با این حال کتاب خوزستان، کهگیلویه و ممسنی (احمد اقتداری)، تاریخ و جغرافیای کهگیلویه (نور محمد مجیدی)، تاریخ سیاسی (سید مصطفی تقوی مقدم) و تاریخ اجتماعی کهگیلویه (یعقوب غفاری) نیز از زمره این آثار به‌شمار می‌روند.

۲. موضوع اکثر قریب به اتفاق این آثار به روابط حکومت‌ها به خوانین و سرکرده‌های ایلات و یا روابط میان ایلی، آن هم در دوره معاصر اختصاص یافته و از پرداختن به سایر ابعاد زندگی اجتماعی غفلت ورزیده‌اند. بطور مثال موضوعاتی همچون اهمیت تجاری و نقش نظامی کهگیلویه، ریشه‌یابی نژادها و تحولات جمعیتی، بررسی نهضت‌های سیاسی - اجتماعی (مانند خوارج، قرامطه و اسماعیلیه) که یا در منطقه متمرکز بوده و یا شعاع عملیاتی آنها شامل کهگیلویه می‌شده و ده‌ها موضوع مستقل دیگر از جمله مباحث عمده‌ای به‌شمار می‌رود که هر کدام می‌تواند پژوهش مستقلی را به خود اختصاص دهد. اما متأسفانه در این آثار به این مسائل توجه نگر دیده و یا بسیار سطحی و گذرا بیان‌ها پرداخته شده است. دلیل این امر را شاید بتوان گستردگی پژوهش‌ها - به لحاظ موضوع و زمان - ذکر نمود. وقتی یک پژوهشگر درصدد است تا تمامی مسائل و موضوعات تاریخی را آن هم در محدوده زمانی گسترده تلویین نماید، بدیهی است که نتواند به درستی حق مطلب را ادا نموده و جایگاه واقعی موضوعات را مشخص و تلویین نماید. البته بدین نکته نیز باید توجه داشت که پژوهش‌های مربوط به منطقه کهگیلویه دوره جوانی را پشت سر می‌گذارند و طبیعی است که مدتی می‌گذرد تا موضوعات مستقل جایگاه خویش را بیابند. به زبانی دیگر پژوهش‌ها در ابتدا دربرگیرنده کلیات هستند و بعد از مدتی مسیر خویش را یافته و جزئیات را مستقلاً مورد توجه قرار می‌دهند. از این رو اگر پژوهشگران منطقه ازین پس به موضوعات مختلف و مستقل با محدوده زمانی مشخص نظر داشته باشند نتایج بهتری حاصل خواهند نمود.

۳. بررسی منابع و مآخذ این آثار ما را متوجه این نکته می‌سازد که در دوره معاصر از منابع متنوع و متعددی سود برده شده است حال آنکه هر چه به لحاظ زمانی از دوره معاصر دروثر شویم فقر شدیدی در ارتباط با منابع مورد استفاده پژوهشگران مشاهده می‌شود. این امر باعث گردیده جهت تلویین تاریخ دوره‌های قدیم (غیر از معاصر)، از منابع تحقیقاتی دسته دوم و غیر معتبری استفاده شود که این نیز به نوبه خود دامنه اطلاعات و دانسته‌ها و یافته‌های این پژوهشگران را محدود و آنها را در دور بسته‌های محبوس ساخته که حاصل آن ارائه مطالب تکراری و بسیار سطحی می‌باشد. به گونه‌ای که هیچ حرف و حدیث تازه‌ای از آنها به گوش نمی‌رسد. خروج

از این دور بسته و ارائه اطلاعات تازه در خصوص تاریخ کهگیلویه مرهون شناسایی منابع جدیدی و رویکرد مناسب به منابع شناخته شده می‌باشد. در ارتباط با شناسایی منابع جدید فعال نمودن عملیات‌های باستان‌شناسی و انجام پژوهش‌های زبان‌شناسی و در جهت رویکرد مناسب به منابع شناخته شده انجام پژوهش‌های مستقل و محدود ضروری می‌نماید.

به هر حال آنچه در خصوص تاریخ کهگیلویه انجام پذیرفته با تمامی ضعف‌ها و کمبودهای سطحی و ساختاری قابل تقدیر و در صورت نقد علمی قابل توسعه خواهد بود. این مقاله نیز رسالتی جز برآورده شدن هدف یاد شده بر خود نمی‌دیده است. امید می‌رود با همت پژوهشگران جوان این مهم تحقق یابد تا از قبل آن کهگیلویه در جایگاه تاریخی و رفیع خویش قرار بگیرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. در دوره ایلامی‌ها سرزمین‌انسان قسمت‌هایی از فارس، اصفهان، خوزستان و قسمت اعظم چهار محال و بختیاری و تمامی منطقه کهگیلویه را دربر می‌گرفته است. اهمیت این ایالت به سبب برخاستن هخامنشی‌ها از آن دو چنان گردیده است. بعضی از پژوهشگران خاستگاه اصلی هخامنشی‌ها در سرزمین‌انسان را منطقه کهگیلویه دانسته‌اند. برای اطلاع بیشتر در این خصوص ر. ک احمد اقتناری: خوزستان کهگیلویه و ممسنی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹ «فصل پنجم».
۲. اکثر جغرافی‌نویسان مسلمان زوموم (عشایر) فارس را به پنج زم تقسیم نموده‌اند که یکی از بزرگترین - به لحاظ وسعت - و با اهمیت‌ترین آنها زم رمیگان بوده که بعدها به زم جیلویه تغییر اسم داده است.
۳. ر. ک: استخری، ابواسحق ابراهیم: المسائل و الممالک به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۷۴، ص ۱۲۶.
۴. ظاهراً بعد از قرن پنجم زم جیلویه به کهگیلویه (جیل جیلویه) تغییر اسم داده است.
۵. محققین کهگیلویه را به دو بخش پشتکوه و زیرکوه تقسیم نموده‌اند. شهرها، شهرک‌ها و روستاهای ایلات منطقه بیشتر در نواحی زیر کوه متمرکز گردیده‌اند با این حال در منطقه پشت کوه نیز مراکز شهری وجود داشته که در بعضی دوره‌ها مرکزیت کهگیلویه را نیز بدست گرفته‌اند. جومه و دهنشت در منطقه پشتکوه از این دسته به‌شمار می‌روند.
۶. بطور مثال منطقه کهگیلویه در اواخر دوره ساسانی تا اواخر دوره آل بویه ضمیمه ارجان (از ولایات فارس) بوده و در دوره صفویه استقلال داشته که مرزهای آن در این دوره به نواحی اطراف نیز کشیده شده است.
۷. شبانکاره‌ها در دوره ساسانی، شول‌ها در اوایل دوره اسلامی و دیگر اقوام (لرها، اتراک و اعراب) بعد از آن در منطقه سکونت داشتند. البته بعضی معتقدند قوم لر از ساکنان اولیه این منطقه می‌باشند اما هنوز تحقیق جامعی در این خصوص انجام پذیرفته است.
۸. کهگیلویه در دوره هخامنشی بین تخت‌جمشید و شوش، در دوره ساسانی بین بیشاپور و جندی‌شاپور، در دوره آل بویه بین شیراز، اصفهان و بغداد قرار داشته است.
۹. از آنجایی که عملیات‌های باستان‌شناسی در این منطقه صورت پذیرفته و تنها آثار مشهود عنوان گردیده است بدیهی است در صورت انجام چنین کوشش‌هایی تعداد این آثار به چندین برابر افزایش خواهد یافت.
۱۰. یاور محمود: کهگیلویه و ایلات آن، بی‌نا، گچساران، ۱۳۳۴.
۱۱. اقتناری، پیشین.
۱۲. همان، ص ۴-۳.
۱۳. گلبه هانیس: ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان دوره صفوی، ترجمه سعید فرهودی، تحشیه و تصحیح احمد اقتناری، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹.
۱۴. برای توپوگرافی تاریخی می‌توان معادل فراز و نشیب را بکار برد و مراد از آن تغییرات و تحولات کمی و کیفی در خصوصیات ساختاری شهر در پهنه تاریخ است. برای اطلاع بیشتر ر. که رهنمایی، تقی: جغرافیا، مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۹.
۱۵. برای اطلاع بیشتر در خصوص این اثر ر. ک: حسن پرهون، معرفی و بررسی کتاب ارجان و کهگیلویه، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، سال دوم، ش سوم، ص ۳، ۱۱.
۱۶. اکبری، قدرت...: بویراحمده در گذرگاه تاریخ، شیراز، چاپ مصطفوی، ۱۳۷۰.
۱۷. همان، ص ۲.
۱۸. مجیدی، نورمحمد: تاریخ و جغرافیای کهگیلویه، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۱.
۱۹. ظاهراً این نسخه دستنویس را جناب دکتر ایرج افشار در اختیار مؤلف قرار داده است. آنطور که استاد ایرج افشار در مقدمه کتاب یادآور شده‌اند ایشان به‌دنبال چاپ این نسخه می‌باشند.
۲۰. حسینی، سیدساعده: گوشه‌های ناگفته‌ای از تاریخ معاصر ایران، شیراز، انتشارات نوین، ۱۳۷۳.
۲۱. همان، ص ۲۲-۹. در این صفحات مسأله مدعیان مهندویت در منطقه کهگیلویه به حوادث ملی نفت ایران ربط داده شده و آن توپلته‌ای از سوی انگلستان جهت انحراف اذهان خواننده شده است.
۲۲. آریانا، بهرام: تاریخچه عملیات جنوب تهران، چاپخانه ارتش، ۱۳۴۳.
۲۳. از این منبع استفاده بسیار جزئی شده است.
۲۴. تقوی، سید مصطفی: تاریخ سیاسی کهگیلویه، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۷۷.
۲۵. غفاری، یعقوب: تاریخ اجتماعی کهگیلویه و بویراحمده اصفهان، انتشارات گلبه، ۱۳۷۸.
۲۶. همان، ص ۱.
۲۷. صفی‌نژاد، جواد: عشایر مرکزی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
۲۸. غفاری، یعقوب: شناسنامه ایلات کهگیلویه، تهران، روایت، ۱۳۷۴.
۲۹. احمدی، نصر: مرفولوژی کرانه گمنام تهران، چاپخانه ند، ۱۳۶۱.
۳۰. مینورسکی، ولادیمیر: رساله لرستان و لرها، ترجمه امان‌اللهی بهاروند لیلی بختیار، بی‌جا، بابکه ۱۳۶۲.
۳۱. سکندرامان اللهی بهاروند: قوم لر، تهران: آگله، ۱۳۷۰.
۳۲. جوکار قنوتی، رضا: شناسنامه بهبهان، اهواز، حافظ، ۱۳۵۰.
۳۳. مصر، م. ح: ارجان و بهبهان در میان تاریخ قم، انتشارات نهضت ۱۳۷۶.